



مرکز تحقیقات ایرانیکا

اصفهان

گامی



عمر الکرما
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

یک شنبه
کلاس دنیا

بیم شاد کردن دیگران
بیم نادرستی از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام
تجرباتی از امتحان نوروز دنیا
موضوع امتحان رفاقت خدا

بکار بردن همه توان و آبرو برای راه انداختن کار دیگران؟

کمک مالی به خانواده‌ها برای تهیه وسایل زندگی؟

مشارکت در تهیه عیون برای دختران دم بخت؟

پرداختن قرض دیگران؟

رسیدگی به حال اقوام و همسایه و دوست و غریبه؟

مشورت دادن و راهنمایی دیگران؟

خدا دادن به نیازمندان و ایتمام؟



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شاد کردن دیگران از دیدگاه اهل بیت (علیهم السلام)

نویسنده:

رحمت پوریزدی

ناشر چاپی:

قدس

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	شاد کردن دیگران از دیدگاه اهل بیت (علیهم السلام)
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۲	فهرست مطالب
۱۶	دیباچه
۱۹	اهمیت شادی
۱۹	شادی گره گشا
۲۱	تبسم صدقه است
۲۱	تبسم و نیکی
۲۲	تبسم و مسافرت
۲۲	تُرُش روی و دشمن
۲۲	دیدار با شادی
۲۳	تبسم و اندوه مؤمن
۲۳	تبسم و پیامبر (صلی الله علیه و آله)
۲۴	پاک کننده کینه
۲۴	امام صادق (علیه السلام) و تبسم
۲۵	حق گویی
۲۵	سرخوشی مکن
۲۶	زمین خوردن دیگران
۲۷	در زمان حال گذر کن
۲۹	شاد کردن دیگران
۲۹	عزیزترین مردم
۳۰	همچون آب جاری

- ۳۰ خدا دوست دارد
- ۳۱ شادمانی پدر و مادر
- ۳۲ هر جمعه
- ۳۳ شاد کردن خانواده
- ۳۳ رشته ی دوستی
- ۳۴ دعای کودکان
- ۳۴ شریک زندگی
- ۳۵ خانه ای در بهشت
- ۳۶ پیامبر (صلی الله علیه و آله) و شوخی با کودکان
- ۳۶ خانواده را اندوهگین نساز
- ۳۷ ملاقات با دوستان
- ۳۸ برترین کار پس از واجبات
- ۳۸ مصداق شادی چیست؟
- ۳۹ محبوب ترین نزد خدا
- ۳۹ اندوه زدایی
- ۴۰ دعای مستجاب
- ۴۱ همه ی دنیا
- ۴۱ شاد کردن پیامبر(صلی الله علیه و آله)
- ۴۲ دل های خسته
- ۴۲ شوخی دوست داشتنی
- ۴۳ امام رضا(علیه السلام) و اطرافیان
- ۴۳ هر کس مرا خوش حال کند!
- ۴۴ خدا شادمانش کند
- ۴۴ تنها با یک کلمه
- ۴۵ کفار گناهان بزرگ
- ۴۶ شادی و امنیت

- ۴۷ شادی خانواده
- ۴۹ شرط شاد کردن
- ۴۹ اشاره
- ۵۰ هر چه دوست داری از خدا بخواه
- ۵۰ فرمان روا در بهشت
- ۵۱ به دانه خرمایی
- ۵۳ شادی قبل از درخواست
- ۵۳ اشاره
- ۵۳ حوریان بهشتی
- ۵۴ قدردانی
- ۵۴ شادی و اندوه
- ۵۷ داستان های شاد کردن
- ۵۷ حالت چگونه است؟
- ۵۸ ضمانت می کنم
- ۶۰ همسر سازگار
- ۶۲ شاد کردن غیرمجاز
- ۶۳ این ها شیعه نیستند!
- ۶۳ اشاره
- ۶۴ غُصه نخور!
- ۶۴ شوخی از اخلاق است
- ۶۶ درباره مرکز

شاد کردن دیگران از دیدگاه اهل بیت (علیهم السلام)

مشخصات کتاب

سرشناسه: پوریزدی، رحمت، 1365-

عنوان و نام پدیدآور: شاد کردن دیگران از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام/مؤلف رحمت پوریزدی.

مشخصات نشر: قم: انتشارات قدس، 1399.

مشخصات ظاهری: 57ص.

شابک: 120000 ریال: 5-379060-600-978

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: شادی -- احادیث

موضوع: Cheerfulness -- Hadiths

رده بندی کنگره: BP141/5

رده بندی دیویی: 297/212

شماره کتابشناسی ملی: 7403169

وضعیت رکورد: فیپا

ص: 1

اشاره

تقدیم به:

همه همسایه های خوش اخلاق (1) و باگذشت و همه کسانی که با قصد قربت دلی را شاد و لیبی را خندان می کنند

ص: 2

1- . درحالی که مشغول تدوین کتاب بودم، بر اثر اتفاقی سهل انگارانه باعث رنجش همسایه ها شدم و آن ها نیز با بزرگواری با ما مدارا و گذشت کردند.

شاد کردن دیگران از دیدگاه اهل بیت (علیهم السلام)

مؤلف رحمت پور یزدی

ص: 3

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 4



فهرست مطالب

فهرست مطالب	۵
دییاجه	۹
اهمیت شادی	۱۱
شادی گیره گشا	۱۱
تبسم صدقه است	۱۳
تبسم و نیکی	۱۳
تبسم و مسافرت	۱۴
تُرش روی و دشمن	۱۴
دیدارِ با شادی	۱۴
تبسم و اندوه مؤمن	۱۵
تبسم و پیامبر ﷺ	۱۵
پاک کننده کینه	۱۶

۶۵ شاد کردن دیگران از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام

- ۱۶ امام صادق علیه السلام و تبسم
- ۱۷ حق گویی
- ۱۷ سرخوشی مکن
- ۱۸ زمین خوردن دیگران
- ۱۹ در زمان حال گذر کن
- ۲۱ شاد کردن دیگران
- ۲۱ عزیزترین مردم
- ۲۲ همچون آب جاری
- ۲۲ خدا دوست دارد
- ۲۳ شادمانی پدر و مادر
- ۲۴ هر جمعه
- ۲۵ شاد کردن خانواده
- ۲۵ رشته‌ی دوستی
- ۲۶ دعای کودکان
- ۲۶ شریک زندگی
- ۲۷ خانه‌ای در بهشت
- ۲۸ پیامبر صلی الله علیه و آله و شوخی با کودکان
- ۲۸ خانواده را اندوهگین نساز

فهرست مطالب ۷۵

۲۹ ملاقات با دوستان
۳۰ برترین کار پس از واجبات
۳۰ مصداق شادی چیست؟
۳۱ محبوب‌ترین نزد خدا
۳۱ اندوه زدایی
۳۲ دعای مستجاب
۳۳ همه‌ی دنیا
۳۳ شاد کردن پیامبر ﷺ
۳۴ دل‌های خسته
۳۴ شوخی دوست‌داشتنی
۳۵ امام رضا <small>علیه السلام</small> و اطرافیان
۳۵ هر کس مرا خوش حال کند!
۳۶ خدا شادمانش کند
۳۶ تنها با یک کلمه
۳۷ کفار گناهان بزرگ
۳۸ شادی و امنیت
۳۹ شادی خانواده
۴۱ شرط شاد کردن

۸ ◊ شاد کردن دیگران از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام

- ۴۲ هر چه دوست داری از خدا بخواه
- ۴۲ فرمان روا در بهشت
- ۴۳ به دانه خرمایی
- ۴۵ شادی قبل از درخواست
- ۴۵ حوریان بهشتی
- ۴۶ قدردانی
- ۴۶ شادی و اندوه
- ۴۹ داستان‌های شاد کردن
- ۴۹ حالت چگونه است؟
- ۵۰ ضمانت می‌کنم
- ۵۲ همسر سازگار
- ۵۴ شاد کردن غیرمجاز
- ۵۵ این‌ها شیعه نیستند!
- ۵۶ غُصه نخور!
- ۵۶ شوخی از اخلاق است

رسول خدا (صلی الله علیه و آله)

برترین کارها پس از انجام دادن واجبات، خوش حال کردن مؤمن است. (1)

عمر به خشنودی دل ها گذار

تا ز تو خشنود شود، کردگار

سایه ی خورشیدِ سواران طلب (2)

رنج خود و راحت یاران طلب

درد ستانی گن و درمان دهی

تات (3) رسانند، به فرمان دهی

گرم شو از مهر و زکین (4) سرد باش

چون مه و خورشید، جوانمرد باش

هر که به نیکی، عمل آغاز کرد

نیکی او، روی بدو باز کرد

ص: 9

1- «إِنَّ مِنْ أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ بَعْدَ الْفَرَائِضِ إِدْخَالَ السُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِ». أعلام الدین، ص 254.

2- کنایه از ایثار و از خودگذشتگی و یا سحرخیزی.

3- تا تو را.

4- کینه و دشمنی.

گُنبَدِ گَرْدَنده(1)، ز روی قیاس

هست به نیکی و بدی،

طاعت کن روی بتاب از گناه

تا نشوی چون خِجَلانِ عُدْر

حاصل دنیا چو یکی ساعتست

طاعت کن کز همه به

عذر میاور نه حیل خواستند

این سخن است از تو عمل خواستند

گر به سخن کار میسر شدی

کار نظامی به فلک بر شدی(2)

در این گلبرگ کوچک احادیثی از اهل بیت (علیهم السلام) درباره اهمیت شادی و نیز شاد کردن دیگران گردآوری کردیم به امید آنکه سرنخ هایی برای تحقیق و پژوهش و نیز مایه خوشحالی و خُرسندی اهل بیت (علیهم السلام) و دوست داران و پیروان آنان باشد؛ و به امید آنکه دلی شاد و لبی خندان شود؛ و از خوانندگان تیزبین خواستارم تا کاستی ها را بر بنده ببخشایند و مرا از نقد و نظرات خویش بی بهره نگذارند.

شُکر که این نامه به عنوان رسید

پیشتر از عُمر به پایان رسید(3)

خُوش و خُوشحال و خُوشدل باشید.

ولادت باسعادت امام حسن عسکری(علیه السلام)

1399/ آبان

ryazdi1395@gmail.com

ص: 10

2- . نظامی، حَمْسَه، مَخزن الاسرار، بخش 23.

3- . همان، بخش 60.

امام علی (علیه السلام) الشُّرُورُ يَسُطُّ النَّفْسَ وَ يُثِيرُ النَّشَاطَ؛

شادمانی، دل را می گشاید و نشاط را بر می انگیزاند. (1)

شادی و نشاط ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند، به گونه ای که شادی را می توان یکی از عوامل نشاط دانست. شادی که معادل عربی آن، فرح و سرور است، به معنای خوش حالی و خشنودی است که نمود آن بیشتر در خنده و تبسم است، ولی نشاط و شادابی به معنای سرحال بودن و سرزندگی و میل و رغبت به کار داشتن است که در فعالیت و تکاپو آشکار می شود.

ص: 11

1- . تصنیف غُرُرُ الْحِکْمِ وَ دُرُرُ الْکَلِمِ، ح 7391. بیشتر احادیث برگرفته از کتاب الگوی شادی، از نگاه قرآن و حدیث، محمدی ری شهری، محمد، دارالحدیث، قم، 1391.

از این رو، می‌توان گفت گاهی نشاط و شادی، هر دو با هم جمع‌اند و آن زمانی است که فرد هم شاد است و هم سرحال و بانشاط و زمانی از هم جدایند؛ یعنی گاهی فردی بانشاط و سرحال است، ولی شاد نیست. به عبارتی، او کارهای خود را با

میل و رغبت انجام می‌دهد، ولی خندان نیست، مانند پیامبران که از گمراهی دیگران ناراحتند و با این حال، با نشاط به ارشاد آنان می‌پردازند و چون به وظیفه خویش عمل کرده‌اند، لذت می‌برند. در مقابل، گاهی فردی شاد و خندان است، ولی نشاط لازم برای انجام امور خود را ندارد، مانند فرد افسرده‌ای که بر اثر عوامل خارجی برای چند لحظه خندان است. (1)

ناگفته پیداست شادی که باعث نشاط روح و جان می‌شود شادی است که منشأ و اساس آن بر مبنای عقل باشد. نه اینکه برای شاد بودن دست به هر کار اشتباهی زده شود مانند تهمت، تمسخر، دروغ‌گویی، ریختن آبروی دیگران...

ص: 12

1- . خبازی مجید، شادی و رسانه (مبانی، آسیب‌ها و راهکارها)، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، قم، 1390.

تبسم صدقه است

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تَبَسُّمُكَ فِي وَجْهِ أَخِيكَ لَكَ صَدَقَةٌ؛

تبسم تو در چهره برادرت، صدقه ای برای توست. (1)

صدقه تنها به کمک مالی نیست. بلکه دل شاد کردن، لبخند زدن به روی دوست مؤمن، گره گشایی از مسائل دیگران نیز صدقه است و طبق فرمایش رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هر کار خیری صدقه است. (2)

تبسم و نیکی

امام باقر (علیه السلام) تَبَسُّمُ الرَّجُلِ فِي وَجْهِ أَخِيهِ حَسَنَةٌ وَ صَرْفُ الْقَدَى عَنْهُ حَسَنَةٌ؛

تبسم شخص در چهره برادرش، نیکی است و زدودن غمی از او هم نیکی است. (3)

ص: 13

1- . کنز العمال، ج 6، ص 410.

2- . «كُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ» کافی، ج 4، ص 26.

3- . کافی، ج 2، ص 188.

تَبَسُّمٌ وَ مَسَافَرَةٌ

امام صادق (علیه السلام) قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ إِذَا سَافَرْتَ مَعَ قَوْمٍ... أَكْثِرِ التَّبَسُّمَ فِي وُجُوهِهِمْ؛

لقمان به فرزندش گفت: هرگاه با گروهی به سفر رفتی... در برخورد با آنان بسیار متبسم باش. (1)

نُرُوشِ رُوی و دَشْمَنِ

امام علی (علیه السلام) سیره پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) این بود که وقتی یکی از اصحاب خود را غمگین می دید، او را با شوخی کردن، شاد می کرد و می فرمود خداوند از برخورد عبوسانه انسان با دوستانش نفرت دارد. (2)

دِیدَارِ بَا شَادِی

امام علی (علیه السلام) أَظْهَرُوا الْبِشْرَ فِيمَا بَيْنَكُمْ وَ السُّرُورَ فِي مُلَاقَاتِكُمْ؛

ص: 14

1- . کافی، ج 8، ص 348.

2- . «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ لَيْسَ رُ الرَّجُلَ مِنْ أَصْحَابِهِ إِذَا رَأَهُ مَغْمُومًا بِالْمُدَاعَبَةِ وَ كَانَ يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ يُغِضُ الْمُعْبَسَ فِي وَجْهِ إِخْوَانِهِ». كشف الریبه، ص 83.

در میانتان خوش رویی و در ملاقاتتان شادمانی را آشکار سازید. (1)

نیکوست هنگام ملاقات با دیگران با رویی گشاده و اخلاقی خوش با آن‌ها برخورد کنیم.

به قول معروف «اخلاق خوش از بهشت آمده است»؛ و از بهترین جاهایی که می‌تواند اثر مثبت آن را مشاهده کرد هنگام ملاقات همسران و نیز ملاقات فرزند با والدین است.

تَبَسُّمٌ وَ اِنْدَوَهُ مُؤْمِنٌ

امام علی (علیه السلام) هُوَ الْكَيِّسُ الْفَطِنُ بِشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَ حُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ؛

در توصیف مؤمن: او زیرک و هوشمند است. شادمانی او در رخسارش و اندوه وی درون قلب اوست. (2)

تَبَسُّمٌ وَ پيامبر (صلى الله عليه و آله)

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) إِذَا حَدَّثَ بِحَدِيثٍ تَبَسَّمَ فِي حَدِيثِهِ.

ص: 15

1- . بحار الانوار، ج 94، ص 117.

2- . کافی، ج 2، ص 226.

پیامبر خدا هر گاه سخن می گفت، میان سخنش تبسم می کرد. (1)

پاک کننده کینه

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) حُسْنُ الْبَشْرِ يَذْهَبُ بِالسَّخِيمَةِ؛

خوش رویی، کینه را می زداید. (2)

اخلاق نیک و روی گشاده از بین برنده کینه و دشمنی است.

امام صادق (علیه السلام) و تبسم

وَلَقَدْ كُنْتُ أَرَى جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) وَكَانَ كَثِيرَ الدُّعَابَةِ وَالتَّبَسُّمِ؛

به نقل از مالک- همواره امام صادق (علیه السلام) را می دیدم که شوخ و پُر تبسم بود. (3)

ص: 16

1- . مکارم الاخلاق، ص 21.

2- . کافی، ج 2، ص 104.

3- . بحار الانوار، ج 17، ص 33.

حق گویی

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) إِنِّي لَأَمْرُحٌ وَلَا أَقُولُ إِلَّا حَقًّا؛

من شوخی می کنم؛ ولی جز حق بر زبان نمی آورم. (1)

شوخی صحیح و به جا شوخی است که با تمسخر و تحقیر و دروغ... همراه نباشد.

سرخوشی مکن

امام علی (علیه السلام) الدَّهْرُ يَوْمَانِ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ فَإِذَا كَانَ لَكَ فَلَا تَبْطُرُ وَإِذَا كَانَ عَلَيْكَ فَاصْبِرْ؛

روزگار، دو روز است: روزی سازگار با تو و روزی ناسازگار. اگر با تو ساز بود، سرمستی مکن و اگر ناسازگار بود، شکیبیا باش. (2)

ص: 17

1- . مکارم الاخلاق، ص 21.

2- . نهج البلاغه، حکمت 396.

اگر روزگار به تو رو آورد شکر خدا کن و غافل از دهنده نعمت مشو و اگر روزگار به تو پشت کرد تو نیز صبر داشته باش؛ چراکه روزگار در حال گردش است و چه خوشی یا ناخوشی هر دو به پایان می رسد.

زمین خوردن دیگران

امام علی (علیه السلام) لَا تَفْرَحَنَّ بِسَقَطِهِ غَيْرِكَ فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا يُحْدِثُ بِكَ الزَّمَانُ؛

هرگز از لغزش دیگران، دل شاد مشو؛ زیرا نمی دانی که روزگار، با تو چه خواهد کرد. (1)

از زمین خوردن دیگران (در هر زمینه ای، فرهنگی، اقتصادی، رفتاری، گفتاری...) شادی مکن؛ چراکه ممکن است روزی خودت به زمین بخوری و زمین گیر شوی.

ص: 18

1- . تصنیف عُرُزُ الْجِکَمِ وَ دُرُزُ الْکَلِمِ، ح 6842.

امام علی (علیه السلام) إِنَّ مَاضِيَ يَوْمِكَ مُنْتَقِلٌ وَبَاقِيَهُ مُمْتَهَمٌ فَأَعْتَبْنِمُ وَقَتِكَ بِالْعَمَلِ؛

گذشته ی عمر تو رفته و باقی مانده ی آن، محل تردید است. پس زمانی را که در آن به سر می بری، برای کار، غنیمت شمار. (1)

گذشته، آینه پند و عبرت شد و آینده نیز مبهم و نامعلوم است. پس در زمان حال زندگی کن و از زمان حال آینده ات را بساز. نگویند «اگر پول داشتم، ای کاش نگفته بودم یا اگر فردا آفتابی باشد، ای کاش این گونه نبود...» بهتر است «اگر و ای کاش» را کنار بگذاریم و کمر همت را ببندیم و به فکر زمان حال باشیم.

ص: 19

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) الْخَلْقُ عِيَالُ اللَّهِ فَأَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ مَنْ نَفَعَ عِيَالَ اللَّهِ وَ أَدْخَلَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ سُورًا؛

مردم، نانخور خدایند، دوست داشتنی ترین مردم نزد خداوند، کسی است که به نان خوران او سود برساند و خانواده ای را شادمان کند. (1)

ص: 21

1- . کافی، ج 2، ص 164.

همچون آب جاری

امام علی (علیه السلام) خطاب به کمیل بن زیاد نخعی (1): ای کمیل! به خانواده ات فرمان بده که روز هنگام، در پی کسب خُلق و خوی نیکو باشند و شبانگاهان، در صدد رفع نیازهای خفتگان. سوگند به آن که هر آوایی را می شنود، هیچ کس دلی را شادمان نمی سازد، مگر آن که خداوند از آن شادمانی، لطفی بیافریند تا زمانی که سختی ای به او برسد، آن لطف همچون آب جاری در سراشیب، به سوی آن سختی سرازیر شود و آن را از وی دور کند، همچنان که شتر غریبه {از میان رمه (گله) شتران}، رانده می شود. (2)

خدا دوست دارد

امام باقر (علیه السلام) إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِزَاقَةَ الدَّمَاءِ وَإِطْعَامَ الطَّعَامِ وَإِغَاثَةَ اللَّهْفَانِ؛

ص: 22

1- . كُمَيْلُ بْنُ زَيْدِ بْنِ نَهْيِكٍ نَخَعِيٌّ صَّهْبَانِيٌّ كُوفِيٌّ (12-82ه.ق) از تابعین و یاران برجسته امام علی (علیه السلام) و امام حسن (علیه السلام).

2- . «لِكُمَيْلِ بْنِ زَيْدِ بْنِ النَّخَعِيِّ يَا كُمَيْلُ مُرْ أَهْلَكَ أَنْ يَرَوْحُوا فِي كَسْبِ الْمَكَارِمِ وَيَدْلِجُوا فِي حَاجِهِ مَنْ هُوَ نَائِمٌ فَوَالَّذِي وَسِعَ سَمْعُهُ الْأَصْوَاتَ مَا مِنْ أَحَدٍ أَوْدَعَ قَلْبًا سُرُورًا إِلَّا وَخَلَقَ اللَّهُ لَهُ مِنْ ذَلِكَ السُّرُورِ لُطْفًا فَإِذَا نَزَلَتْ بِهِ نَائِبَةٌ جَرَى إِلَيْهَا كَالْمَاءِ فِي أَنْحَادِهِ حَتَّى يَطْرُدَهَا عَنْهُ كَمَا تُطْرَدُ غَرِيبُهُ الْإِبِلُ». نهج البلاغه، خ 257.

خداوند، قربانی کردن و غذا دادن {به مردم} و فریادرسی گرفتاران را دوست دارد. (1) قربانی و قربانی کردن، به کشتن گوسفند، گاو، شتر و مانند آن ها به نیت تقرب به خدا اطلاق می گردد. و دو نوع است: واجب: حج... و مستحب: عقیقه فرزند... که هرکدام احکام خاصی دارد. توضیح بیشتر در رساله توضیح المسائل مراجع تقلید.

شادمانی پدر و مادر

امام صادق (علیه السلام) **إِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ يَزِيدَ اللَّهُ فِي عُمْرِكَ فَسِرَّ أَبْوَيْكَ؛**

اگر دوست داری که خداوند، عمرت را بیفزاید، پدر و مادر خویش را شادمان کن. (2)

احترام به والدین نقش بسزا و شگفتی در پیشرفت و سعادت دنیا و آخرت انسان دارد.

ص: 23

1- . المحاسن، ج 2، ص 388.

2- . بحار الانوار، ج 71، ص 81.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) أَطْرَفُوا أَهَالِيكُمْ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ بِشَيْءٍ مِّنَ الْفَاكِهَةِ أَوْ اللَّحْمِ حَتَّى يَفْرَحُوا بِالْجُمُعَةِ؛

در هر جمعه، چیزی مثل میوه یا گوشت برای خانواده تان هدیه آورید تا از آمدن جمعه، شاد شوند. (1)

در فرهنگ اسلامی جمعه از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ که اعمال عبادی و آداب خاصی را دارد از جمله نماز جمعه، غسل جمعه، خواندن زیارت های خاص... و آداب مانند پوشیدن لباس نو، استفاده از عطر و زیارت اهل قبور... است.

ص: 24

شاد کردن خانواده

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) خداوند مردی را که هر گاه از بازار برمی گردد، چیزی در آستینش می گیرد و برای خانواده اش می آورد و آنان از آن شاد می شوند، دوست می دارد. پس خداوند، به او بر فرشتگان مباحثات می کند. (1)

نیکوست در حد توان هنگامی که از بازار برمی گردیم چیزی برای خانواده تهیه کنیم تا مایه خوشحالی و شادی آنان شود.

رشته ی دوستی

امام صادق (علیه السلام) به خدا و محمد (صلی الله علیه و آله) و علی (علیه السلام) ایمان ندارد آن کس که چون برادر مؤمنش برای حاجتی به نزدش بیاید، خنده رو، با وی رویه رو نشود. پس اگر نیازش به دست اوست، در بر آوردنش بشتابد و اگر میسور (

ص: 25

1- . «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لِيُحِبُّ الرَّجُلَ مِنْ خَلْقِهِ إِذَا انْصَرَفَ مِنْ سَوْقِهِ فَيَأْخُذُ شَيْئًا فِي كُمَّهِ لِعِيَالِهِ فَيَفْرَحُوا بِهِ، فَيُبَاهِي اللَّهُ بِهِ الْمَلَائِكَةَ». الفردوس، ج 1، ص 168.

در توانش نیست) او نیست، در برآوردن آن به دست دیگران، خود را به زحمت بیفکنند که اگر چنین نباشد، میان ما و او، رشته ی دوستی نیست. (1)

دعای کودکان

امام صادق (علیه السلام) كَانَ أَبِي (علیه السلام) إِذَا حَزَنَهُ أَمْرٌ جَمَعَ النِّسَاءَ وَ الصَّبِيَّانَ ثُمَّ دَعَا وَ أَمَّنُوا؛

پدرم (امام باقر (علیه السلام)) هر گاه چیزی او را اندوهگین می ساخت، بانوان و کودکان را گرد هم می آورد و دعا می کرد و آنان آمین می گفتند. (2)

شریک زندگی

به امام حسن مجتبی (علیه السلام) گفته شد: نیکوترین زندگی، از آن چه کسی است؟ فرمود: «آن که مردم را در زندگی خود شریک گرداند». گفته شد:

ص: 26

-
- 1- « مَا آمَنَ بِاللَّهِ وَ لَا بِمُحَمَّدٍ وَ لَا بِعَلِيِّ مَنْ إِذَا أَتَاهُ أَخُوهُ الْمُؤْمِنُ فِي حَاجَةٍ لَمْ يَضْحَكْ فِي وَجْهِهِ فَإِنْ كَانَتْ حَاجَتُهُ عِنْدَهُ سَارَعَ إِلَى قَضَائِهَا وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ تَكَلَّفَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِهِ حَتَّى يَقْضِيَهَا لَهُ فَإِذَا كَانَ بِخِلَافِ مَا وَصَفْتُهُ فَلَا وَ لَآيَةَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ ». بحار الانوار، ج 72، ص 177.
 - 2- . کافی، ج 2، ص 487.

«بدترین زندگی، از آن چه کسی است؟» فرمود: «آن که در سایه ی او کسی موقعیت زندگی پیدا نکند».(1)

چه زیبا و ماندگار است در پرتو زندگی ما کسانی نیز به رشد و شکوفایی برسد.

خانه ای در بهشت

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) لِجَنَّةٍ بَابٌ يُقَالُ لَهُ: الْفَرَحُ، لَا يَدْخُلُ فِيهِ إِلَّا مَنْ فَرَّحَ الصَّبِيَّانَ؛

در بهشت دری است به نام «شادمانی». جز کسی که کودکان را شادمان کرده باشد، از آن وارد نمی شود.(2)

شادی کودکان را با یک نگاه، یا یک لبخند می توان به دست آورد.

ص: 27

-
- 1- «قِيلَ لِلْحَسَنِ (عليه السلام) مَنْ أَحْسَنُ النَّاسِ عَيْشًا؟ قَالَ: مَنْ أَشْرَكَ النَّاسَ فِي عَيْشِهِ وَقِيلَ: مَنْ شَرُّ النَّاسِ عَيْشًا؟ قَالَ: مَنْ لَا يَعِيشُ فِي عَيْشِهِ أَحَدٌ». تاريخ يعقوبي، ج 2، ص 226 به نقل از الكوي شادي، ح 416.
 - 2- . كنز العمال، ج 3، ح 6009.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) و شوخی با کودکان

عن انس كان رسول الله من أفكهِ الناس مع الصبيِّ؛

به نقل از انس: پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) از شوخ طبع ترین مردمان با کودکان بود. (1)

چونکه با کودک سر و کارت فتاد

هم زبان کودکی باید گشاد (2)

خانواده را اندوهگین نساز

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) إِذَا أَعْسَرَ أَحَدُكُمْ فَلْيَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ وَ لِيَضْرِبْ فِي الْأَرْضِ يَتَغَى مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ لَا يَغُمَّ نَفْسَهُ وَ أَهْلَهُ؛

هر گاه یکی از شما دچار تنگ دستی شد، از خانه اش بیرون آید و در زمین به گردش در آید و فضل خدا را بجوید و خود و خانواده اش را اندوهگین نسازد. (3)

ص: 28

1- . کنز العمال، ج 7، ص 140.

2- . مولوی، مثنوی معنوی، دفتر، 4، بخش 100.

3- . دعائم الاسلام، ج 2، ص 13.

درمان تنگدستی، تلاش و کوشش است؛ و آدمی با توکل به خدا باید دنبال رزق و روزی رود تا خداوند از فضل و رحمت خودش درهای روزی را بر بنده اش بگشاید. به قول معروف از تو حرکت از خدا برکت.

ملاقات با دوستان

امام جواد (علیه السلام) مُلَاقَاةَ الْإِخْوَانِ نُشْرَةٌ وَ تَلْقِيحٌ لِلْعَقْلِ وَإِنْ كَانَ نَزْرًا قَلِيلًا؛

ملاقات با برادران، نشاط بخش و موجب شکوفایی خرد می شود، هرچند زمانش کوتاه باشد. (1)

از بهترین درمان های افسردگی و نیز رشد و شکوفایی عقل، دیدار و خوش و پیش کردن با دوستان است. البته دوستانی که مؤمن، خوش اخلاق، صادق، ... باشند.

ص: 29

برترین کار پس از واجبات

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) إِنَّ مِنْ أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ بَعْدَ الْفَرَائِضِ إِدْخَالَ الشُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِ؛

برترین کارها پس از انجام دادن واجبات، خوش حال کردن مؤمن است. (1)

مصدق شادی چیست؟

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سؤال شد: برترین کارها کدام است؟ فرمود: این که مؤمنی را شادسازی.

گفته شد: شادی مؤمن چیست؟ فرمود: سیر کردن او و برطرف کردن گرفتاری او و پرداخت بدهی او. (2)

ص: 30

1- . أعلام الدین، ص 254.

2- . «أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ قَالَ إِدْخَالُكَ الشُّرُورَ عَلَى الْمُؤْمِنِ قَيْلَ وَ مَا سُرُّورُ الْمُؤْمِنِ قَالَ إِسْتِبَاعُ جَوْعَتِهِ وَ تَنْفِيسُ كُرْبَتِهِ وَ قَضَاءُ دَيْنِهِ». عوالی اللالی، ج 1، ص 377.

محبوب ترین نزد خدا

امام باقر (علیه السلام) ما [مِنْ] عَمَلٍ يَعْمَلُهُ الْمُسْلِمُ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ إِدْخَالِ السُّرُورِ عَلَى أَخِيهِ الْمُسْلِمِ؛

هیچ کار مسلمان در نزد خداوند، محبوب تر از شادمان کردن برادر مسلمانش نیست. (1)

شادی تنها به گفتار شادی آور نیست بلکه در رفتار و عمل بیشتر خود را نشان می دهد مانند گره گشایی از کار دیگران، پرداختن قرض های دیگران، در تنگناها و سختی ها کنار دیگران بودن...

اندوه زدایی

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ سُورُورٌ تُدْخِلُهُ عَلَى الْمُؤْمِنِ: تَطْرُدُ عَنْهُ جُوعَتَهُ، أَوْ تَكْشِفُ عَنْهُ كُرْبَتَهُ؛

ص: 31

1- . المومن، 53، ح 133.

محبوب ترین کارها در پیشگاه خدا، شادی ای است که به مؤمن برسانی، گرسنگی اش را برطرف کنی و اندوهش را بزدایی. (1)

هر کاری خیری که می کنیم پاداش آن نصیب خودمان است و در حقیقت به خودمان لطف کرده ایم. در ظاهر شکم دیگری سیر شده است ولی در باطن پاداش و لطف بی پایان الهی به ما رسیده است.

دعای مستجاب

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مَنْ أَرَادَ أَنْ تُسْتَجَابَ دَعْوَتُهُ وَ أَنْ تُكْشَفَ كُرْبَتُهُ فَلْيُفَرِّجْ عَن مُعْسِرٍ؛

هر کس می خواهد دعایش مستجاب شود و اندوهش برطرف گردد، باید فرد تنگ دستی را گشایش دهد. (2)

دلِ دیگران را شاد کن تا خداوند دلت را شاد کند. گره از زندگی دیگران باز کن تا خداوند گره از زندگی ات باز کند.

ص: 32

1- . کافی، ج 3، ص 490.

2- . نهج الفصاحه، ح 2961.

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) مَنْ أَحْزَنَ مُؤْمِنًا ثُمَّ أَعْطَاهُ الدُّنْيَا لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ كَفَّارَةً لَهُ وَلَمْ يُوجِزْ عَلَيْهِ؛

هر کس مؤمنی را اندوهگین سازد و سپس همه دنیا را تقدیم وی کند، کفاره اش نمی گردد و برای آن، پاداش داده نمی شود. (1)

شخصیت و عزت مؤمن ارزشمند تر از تمام دنیا است. پس باید مراقب بود تا با گفتار یا رفتارمان باعث رنجش خاطر دیگران نشویم.

شاد کردن پیامبر(صلی الله علیه و آله)

امام باقر (علیه السلام) هر کس یکی از شیعیان ما را مسرور سازد، بی تردید، پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله) را مسرور کرده است و همین گونه است اگر به او آزار یا اندوهی برساند. (2)

ص: 33

1- . بحار الانوار، ج 72، ص 150.

2- . «مَنْ أَدْخَلَ عَلَى رَجُلٍ مِنْ شِعْبَتِنَا سُرُورًا، فَقَدْ أَدْخَلَهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَكَذَلِكَ مَنْ أَدْخَلَ عَلَيْهِ أَدَّى أَوْ غَمًّا». المومن، ص 69، ح 189.

امام علی (علیه السلام) إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَبْدَانُ فَابْتَغُوا لَهَا طَرَائِفَ [الْحِكْمَةِ] الْحِكْمِ؛

این دل ها همچون بدن ها خسته می شوند. پس { برای زدودن خستگی آن } جویای سخنان دل نشین و حکیمانه باشید. (1)

روح و روان آدمی نیز نیاز به شادی و نشاط دارد؛ و نشاط روح به خواندن یا شنیدن کلمات حکمت آمیز است.

شوخی دوست داشتنی

امام باقر (علیه السلام) إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ الْمُدَاعِبَ فِي الْجَمَاعَةِ بِلَا زَفْثٍ؛

خداوند کسی را که در میان جمعی، بدون ناسزاگویی شوخی کند دوست دارد. (2)

ص: 34

1- . نهج البلاغه، حکمت 91.

2- . کافی، ج 2، ص 663.

شوخی که خالی از هرگونه مسخره کردن، تحقیر کردن و دروغ... باشد مورد پسند خداوند است.

امام رضا (علیه السلام) و اطرافیان

كَانَ الرَّضَا (عَلَيْهِ السَّلَام) إِذَا كَانَ خَلَا جَمَعَ حَشْمَهُ كُلَّهُمْ عِنْدَهُ الصَّغِيرَ وَ الْكَبِيرَ فَيَحْدُثُهُمْ وَيَأْتِسُ بِهِمْ وَيُؤْنِسُهُمْ؛

امام رضا (علیه السلام) هر گاه فراغت می یافت، خَدم و حَشَم خویش را از کوچک و بزرگ، نزد خود، جمع می کرد و با آن ها به سخن گفتن و خُوش و بِش کردن می پرداخت. (1)

هر کس مرا خوش حال کند!

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مَنْ سَرَّ مُؤْمِنًا فَقَدْ سَرَّنِي وَ مَنْ سَرَّنِي فَقَدْ سَرَّ اللَّهَ؛

هرکسی مؤمنی را خوش حال کند مرا خوش حال کرده است و هرکس مرا خوش حال کند، خدا را خوش حال کرده است. (2)

ص: 35

1- . عیون الاخبار الرضا (علیه السلام) ج 2، 157.

2- . کافی، ج 3، ص 481.

خدا شادمانش کند

امام صادق (علیه السلام) أَيْمًا مُسْلِمٍ لَقِيَ مُسْلِمًا فَسَرَّهُ سَرَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ؛

هر مسلمانی که در ملاقات با مسلمان دیگری، او را شاد کند، خداوند شادمانش خواهد کرد. (1)

پاداش نیکی را تنها از خدای مهربان بخواهیم؛ که دریای جُود و بخشش او بی پایان است.

تنها با یک کلمه

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مَنْ أَكْرَمَ أَخَاهُ الْمُسْلِمِ بِكَلِمَةٍ يُلْطِفُ بِهَا وَفَرَّحَ عَنْهُ كُرْبَتَهُ لَمْ يَزَلْ فِي ظِلِّ اللَّهِ الْمَمْدُودِ عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ مَا كَانَ فِي ذَلِكَ؛

هر کس برادر مسلمانش را با کلمه ای لطف آمیز بنوازد و گرفتاری و اندوه را از او بزداید تا زمانی که چنین کند، پیوسته در سایه گسترده ی رحمت خداوند است. (2)

ص: 36

1- . همان، ج 3، ص 492.

2- . همان، ج 3، ص 525.

گاهی می توان با یک سلام یا یک کلام شیرین دل مسلمانی را شاد کرد؛ و غبار اندوه و ناراحتی را از وی دور کرد.

کفاره گناهان بزرگ

امام علی (علیه السلام) مِنْ كَفَّارَاتِ الذُّنُوبِ الْعِظَامِ إِغَاثَةُ الْمَلْهُوفِ وَ التَّنْفِيسُ عَنِ الْمَكْرُوبِ؛

رسیدن به فریاد ستمدیده و زدودن غم از انسان اندوهگین، از کفاره های گناهان بزرگ است. (1)

کفاره یعنی پوشاننده؛ چیزی که امر دیگری را می پوشاند؛ و خطا و گناهان را می پوشاند؛ و از مصادیق آشکار آن کمک و یاری رساندن به نیازمند و برطرف کردن غم و غصه دیگران است؛ و این یاری می تواند از طریق مالی یا گفتاری باشد. و چه بسا با سخنی دل اندوهگینی را شاد کنیم و یا با حمایت مالی خویش فردی را از مشکلات رنج آور نجات دهیم.

ص: 37

ملهوف: هر فرد مظلوم و بیچاره ای را شامل می شود. خواه بیمار باشد یا گرفتار طلبکار... مکروب: به هر شخص غمگین گفته می شود.
خواه غم فقر، بیماری، تجارت، مصیبت... تنفیس: زدودن غم.

شادی و امنیت

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عِبَادًا تَسْتَرِيحُ النَّاسُ إِلَيْهِمْ فِي حَوَائِجِهِمْ، وَإِدْخَالَ السُّرُورِ عَلَيْهِمْ، أُولَئِكَ آمِنُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛

همانا خدا را بندگانانی است که مردم در نیازها و شادمانی شان در کنار آن ها آرامش می یابند آنان روز قیامت، در امنیت اند. (1)

برخی افراد دست به خیر هستند و به قول معروف «کار راه اندازند» و مردم در کنار آنان احساس شادی و آرامش دارند. این افراد در روز حساب و کتاب در امنیت و آسایش به سر می برند.

ص: 38

1- . نُزْهُهُ النَّاطِرُ وَتَنْبِيهِ الْخَاطِرُ، ح 122.

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) هیچ بنده ای نیست که خانواده ی مؤمنی را شاد کند جز این که خداوند از آن شادی پدیده ای را می آفریند که در روز قیامت، نزد او می آید. هر زمان، مشکلی برایش پیش آید، می گوید: ای دوست خدا! نترس. به او می گوید: تو کیستی ای که رحمت خدا بر تو باد؟! اگر همه دنیا از آن من بود، آن را برای تو ناچیز می دیدم. می گوید: من آن شادمانی ام که آن را به فلان خانواده ارزانی کردی. (1)

ص: 39

1- . «مَا مِنْ عَبْدٍ يُدْخِلُ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ مُؤْمِنٍ سُرُورًا إِلَّا خَلَقَ اللَّهُ لَهُ مِنْ ذَلِكَ السُّرُورِ خَلْقًا يَجِيئُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا مَرَّتْ عَلَيْهِ شَدِيدَةٌ يَقُولُ يَا وَلِيَّ اللَّهِ لَا تَخَفْ فَيَقُولُ لَهُ مَنْ أَنْتَ يَرْحَمُكَ اللَّهُ فَلَوْ أَنَّ الدُّنْيَا كَانَتْ لِي مَا رَأَيْتُهَا لَكَ شَيْئًا فَيَقُولُ أَنَا السُّرُورُ الَّذِي أَدْخَلْتَ عَلَى آلِ فُلَانٍ». ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص 150.

امام علی (علیه السلام) لَا يَسْتَقِيمُ قَضَاءُ الْحَوَائِجِ إِلَّا بِثَلَاثٍ بِاسْتِصْغَارِهَا لِتَعُظُمَ وَبِاسْتِكْتَامِهَا لِتُظْهَرَ وَبِتَعْجِيلِهَا لِتَهْنُؤَ؛

حوائج مردم کامل نمی شود مگر به سه چیز:

کوچک شمردن آن تا خود بزرگ شود؛

پنهان داشتن آن تا خود آشکار گردد؛

شتاب و سرعت در آن تا گوارا گردد. (1)

نکته: دل شاد کردن نیاز به سر و صدا، بزرگ نمایی ندارد. خداوند حکیم شاهد و ناظر است. و خودش به موقع آن را آشکار می کند.

ص: 41

هر چه دوست داری از خدا بخواه

امام صادق (علیه السلام) هر کس شخص باایمانی را شادمان سازد، خداوند در روز قیامت، او را شادمان می کند و به وی گفته می شود: هر چه دوست داری از خدایت بخواه؛ چون تو کسی بودی که دوست داشتی دوستانش را در سرای دنیا خوش حال کنی. پس آنچه آرزو می کند به او ارزانی می شود و خداوند از سوی خود، آنچه را که از نعمت های بهشتی به دلش خطور هم نکرده، بر آن ها می افزاید. (1)

فرمان روا در بهشت

امام باقر (علیه السلام) إِنَّ فِيمَا نَجَى اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - بِعَبْدِهِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ لِي عِبَادًا يُبِحُّهُمْ جَنَّتِي، وَأُحْكَمُهُمْ فِيهَا، قَالَ: يَا رَبِّ، وَمَنْ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ تُبِحُّهُمْ جَنَّتِكَ وَتُحْكَمُهُمْ فِيهَا؟ قَالَ: مَنْ أَدْخَلَ عَلَيَّ مُؤْمِنٍ سُرُورًا؛

ص: 42

1 - «مَنْ سَرَّ امْرَأً مُؤْمِنًا سَرَّهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ - وَقِيلَ لَهُ تَمَنَّ عَلَى رَبِّكَ مَا أَحْبَبْتَ فَقَدْ كُنْتَ تُحِبُّ أَنْ تَسَرَّ أَوْلِيَائِي فِي دَارِ الدُّنْيَا فَيُعْطَى مَا تَمَنَّى وَيَزِيدُهُ اللَّهُ مِنْ عِنْدِهِ مَا لَمْ يَحْطُرْ عَلَى قَلْبِهِ مِنْ نَعِيمِ الْجَنَّةِ». ثواب الاعمال وعقاب الاعمال، ص 149.

از جمله گفتگوهای خدا با بنده اش موسی (علیه السلام) این بود «مرا بندگان است که بهشتم را ارزانی شان می کنم و آن ها را در آنجا فرمان روا می کنم».

گفت: پروردگارا! آنان که بهشت را نثارشان می کنی و در آن، فرمان روایشان می سازی، کیانند؟ فرمود: هر کس که مؤمنی را دل شاد کند. (1)

به دانه خرمایی

امام صادق (علیه السلام) خداوند به داوود (علیه السلام) وحی فرستاد که «همانا یکی از بندگانم کار نیکی به جا می آورد و من بهشتم را ارزانی او می کنم». داوود (علیه السلام) گفت: «پروردگارا! آن نیکی چیست؟» فرمود: «بنده با ایمان مرا، هر چند به دانه خرمایی خوش حال می کند».

داوود (علیه السلام) گفت: پروردگارا! آن که تو را شناخت، بر اوست که امیدش را از تو نگیرد. (2)

ص: 43

1- . کافی، ج 3، ص 482.

2- . «أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى دَاوُدَ (عَلَيْهِ السَّلَام) إِنَّ الْعَبْدَ مِنْ عِبَادِي لَيَأْتِينِي بِالْحَسَنَةِ فَأَيُّحُهُ جَنَّتِي قَالَ فَقَالَ دَاوُدُ (عَلَيْهِ السَّلَام) يَا رَبِّ وَمَا تِلْكَ الْحَسَنَةِ قَالَ يُدْخِلُ عَلَيَّ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ سُرُوراً وَ لَوْ بَتَمْرَةٍ قَالَ فَقَالَ دَاوُدُ (عَلَيْهِ السَّلَام) حَقٌّ لِمَنْ عَرَفَكَ أَنْ لَا يَنْقَطِعَ [لَا يُقَطِعُ] رَجَاؤُهُ مِنْكَ». الامالی (صدوق)، ص 604. مجلس 88.

شاد کردن دیگران طول و عرض و اندازه ندارد. هر قدر بتوانی انجام بده چرا که طرف حساب شما خداوند کریم و بخشنده است که بی نهایت پاداش ات می دهد.

ص: 44

اشاره

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) لَا يُكَلِّفُ الْمُؤْمِنُ أَخَاهُ الطَّلَبَ إِلَيْهِ إِذَا عَلِمَ حَاجَتَهُ؛

انسان مومن وقتی نیاز برادرش را می داند او را مجبور نمی کند که نیازش را بیان کند « قبل از درخواست نیاز او را بر طرف می کند». (1)

شادکردن دیگران، نیاز به بهانه و دلیل و درخواست و خواهش ندارد.

حوریان بهشتی

امام صادق (علیه السلام) در سفارش به عبدالله بن جندب: يَا ابْنَ جُنْدَبٍ مَنْ سَرَّهَ أَنْ يَزُوجَهُ اللَّهُ الْحُورَ الْعِينِ وَ يُتَوَّجَهُ بِالتُّورِ فَلْيَدْخُلْ عَلَيَّ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ السُّرُورِ؛

ص: 45

ای پسر جُنْدَب! هر که را خوش آید که خداوند حوریان را به ازدواجش درآورد و تاجی از نور بر سرش بنهد، می بایست برادر مؤمنش را شادمان سازد. (1)

مُفْتِ مُفْت، از این آسان تر دیگه نمی شه. با یه یک دل شاد کردن، حورالعین را در آغوش گرفتن. پیوندتان مبارک.

قدردانی

امام سجاد (علیه السلام) حَقُّ مَنْ سَرَّكَ لِلَّهِ تَعَالَى أَنْ تَحْمَدَ اللَّهَ تَعَالَى أَوْلَا ثُمَّ تَشْكُرَهُ؛

حق کسی که تو را به خاطر خداوند متعال شاد کند، این است که نخست خداوند را ستایش کنی و سپس از او شکرگزاری نمایی. (2)

شادی و اندوه

امام علی (علیه السلام) سُرُورُ الْمُؤْمِنِ بِطَاعَةِ رَبِّهِ وَ حُزْنُهُ عَلَى ذَنْبِهِ؛

ص: 46

1- . تَحَفُّ الْعُقُول، ص 302.

2- . کتاب مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه، ج 2، ص 625.

شادی مؤمن، به فرمانبری پروردگارش و اندوه او به گناه خود است. (1)

هرگاه شخص مؤمن خداوند را اطاعت می کند و به فرامینش جامه ی عمل می پوشاند خوشحال می شود و در مقابل تنها از گناه خود ناراحت و غمگین است. نه از فقر، نداری، بیماری، حوادث...

ص: 47

1- . تصنیف عُرُزُ الْحِکْمِ وَ دُرُزُ الْکَلِمِ، ح 3398.

یک روز صبح، جابر بن عبدالله انصاری (1)، امیرالمؤمنین (علیه السلام) را دید و از او پرسید «چطوری ای امیر مؤمنان (علیه السلام)؟» امام فرمود (علیه السلام) «در نعمت و فضل خدا اما { متأسفانه } از برادری دیدار نکرده ام و مؤمنی را شاد نساخته ام.» جابر گفت: منظور از این شاد ساختن چیست؟

ص: 49

1- . جابر بن عبدالله انصاری (درگذشت بین سال های 68 تا 79 ه. ق)، صحابی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و راوی حدیث لوح که در بردارنده نام امامان شیعه از زبان پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. وی همچنین در سلسله راویان احادیث مشهور شیعی مانند حدیث جابر، حدیث غدیر، حدیث ثقلین نیز قرار دارد. جابر را از اصحاب پنج امام از امام علی (علیه السلام) تا امام باقر (علیه السلام) دانسته اند. او پس از واقعه عاشورا، نخستین زائر امام حسین (علیه السلام) بود که در روز اربعین به کربلا رسید. به نقل از سایت ویکی شیعه.

امام فرمود اینکه از او اندوهی را بزدایم یا دین (قرض) او را بپردازم یا نیازش را برطرف سازم. (1)

نکته: شاد کردن دل دیگران جزء برنامه های روزانه اولیای الهی است. و نیکوست پیروان آنان نیز این گونه باشند.

ضمانت می کنم

علی بن یقطين (2) از مولای ما امام کاظم (علیه السلام) رخصت خواست تا کار در دستگاه حکومت را رها کند. امام (علیه السلام) اجازه نداد و فرمود: چنین مکن؛ زیرا ما را با تو الفتی است و برادرانت را به واسطه تو عزت و جایگاهی؛ و امید است که به سبب تو خداوند شکسته ای را ترمیم فرماید یا آتش { کینه و دشمنی } مخالفان را از دوستانش فرو بنشانند.

ص: 50

1- . بحار الانوار، ج 41، ص 164.

2- . علی بن یقطين بن موسی بغدادی (124-182 ق)، محدث، فقیه، متکلم و از بزرگان شیعه در دوران امام صادق (علیه السلام) و امام کاظم (علیه السلام). وی اهل کوفه و ساکن بغداد بود. وی با وجود شیعه بودن، از وزیران حکومت عباسی و مورد اعتماد آنان بود. علی بن یقطين منزلت والایی نزد ائمه و عالمان شیعه دارد. به نقل از سایت ویکی شیعه.

ای علی! کفاره کارتان، نیکی به برادرانتان است. چیزی را برایم ضمانت کن تا سه چیز را برایت تضمین نمایم. برایم ضمانت کن که به هیچ یک از دوستان ما برخورد نکنی جز آن که نیاز او را برآورده سازی و گرمی اش بداری من نیز ضمانت می کنم که هیچ گاه سقف زندانی بر تو سایه نیفکند و تیزی شمشیری تو را در نیابد و فقر و ندار پا در خانه ات ننهد.

ای علی! هر که مؤمنی را شادمان سازد با {شادمان کردن} خدا آغاز کرده و در درجه دوم با {شادمان کردن} پیامبر (صلی الله علیه و آله) و در درجه سوم با {شادمان کردن} ما. (1)

ص: 51

1- . قضاء حقوق المومنین، ح 25، بحار الانوار، ج 48، ص 136. اسْتَأْذَنَ عَلِيُّ بْنُ يَظِينَ مَوْلَى الْكَاطِمِ (عليه السلام) فِي تَرْكِ عَمَلِ السُّلْطَانِ فَلَمْ يَأْذَنْ لَهُ وَقَالَ لَا تَفْعَلْ فَإِنَّ لَنَا بِكَ أَنْسَاءً وَإِخْوَانَكَ بِكَ عِزًّا وَعَسَى أَنْ يَجْبِرَ اللَّهُ بِكَ كَسْرًا وَيَكْسِرَ بِكَ نَائِرَةَ الْمُخَالَفِينَ عَنْ أَوْلِيَانِهِ يَا عَلِيُّ كَفَّارُهُ أَعْمَالِكُمْ الْإِحْسَانُ إِلَى إِخْوَانِكُمْ أَضْمَنْ لِي وَاحِدَةً وَأَضْمَنْ لَكَ ثَلَاثًا أَضْمَنْ لِي أَنْ لَا تَلْقَى أَحَدًا مِنْ أَوْلِيَانِنَا إِلَّا قَضَيْتَ حَاجَتَهُ وَأَكْرَمْتَهُ وَأَضْمَنْ لَكَ أَنْ لَا يُظَلِّكَ سَقْفُ سِجْنٍ أَبَدًا وَلَا يَنَالَكَ حَدُّ سَيْفٍ أَبَدًا وَلَا يَدْخُلَ الْفَقْرُ بَيْتَكَ أَبَدًا يَا عَلِيُّ مَنْ سَرَّ مُؤْمِنًا فَبِاللَّهِ بَدَأَ وَبِالنَّبِيِّ (صلی الله علیه و آله) تَنَّى وَبِنَا ثَلَّثَ.

در میان قوم بنی اسرائیل، مردی خردمند و ثروتمند بود. وی از همسری پاک دامن، پسری داشت که در چهره، شبیه پدر بود و نیز دو پسر از همسری غیر پاک دامن. چون هنگام مرگش فرارسید، به آنان گفت: این ثروت من، برای یکی از شماست.

چون از دنیا رفت، پسر بزرگ تر گفت: آن یک نفر، من هستم.

پسر وسطی گفت: آن یکی، من هستم.

پسر کوچک تر گفت: آن یک نفر، من هستم.

{ چون نزاع بالا گرفت، شکایت به قاضی شهر بردند. قاضی گفت: من در این باره، نظری ندارم؛ نزد سه برادری که چوپان زادگان اند، بروید. آن ها نزد یکی از برادران آمدند و پیری کهن سال را دیدند.

به آنان گفت: نزد برادرم که از من بزرگ تر است بروید و از او پرسید. بر او وارد شدند. مردی میان سال، بیرون آمد و گفت: از برادر بزرگ ترم پرسید. بر سومین برادر، وارد شدند. او را در چهره، کم سال تر یافتند. نخست، از او خواستند شرح حال خودشان را بگویند و سپس آن ها پاسخ دهد.

او گفت: آن برادرم را که نخست دیدید، کوچک ترین برادر است. همسری ناسازگار داشت که به وی، بدی می کرد. {برادرم} بر بدی های او صبر کرد که مبادا به گرفتاری بزرگ تر و طاقت فرسایی مبتلا شود. آن زن، او را پیر کرد. برادر دوم، همسری داشت که گاهی او را می رنجاند و گاهی او را شاد می کرد. از این رو، وی چهره میان سالی دارد؛ و اما من، همسر همیشه مرا شاد می کند و هیچ گاه آزارم نمی دهد و هرگز از او بدی ای به من نرسیده است. بدین جهت، جوان مانده ام. امام مسئله شما که سخن پدرتان است، نخست بروید نبش قبر کنید، استخوان هایش را بیرون آورید و بسوزانید و نزد من برگردید تا میان شما داوری کنم.

برادران رفتند. برادر کوچک تر، شمشیر پدر را برداشت و دو برادر دیگر، کلنگ، برداشتند. وقتی خواستند نبش قبر کنند، برادر کوچک تر گفت: پدرم را نبش قبر نکنید؛ من سهم خود را به شما وا می گذارم.

برادران، نزد قاضی بازگشتند. مرد گفت: این {رفتار برادر کوچک تر}، قانع کننده شما دو تن است. مال را نزد من بیاورید. آنگاه به برادر کوچک گفت: مال را بردار. {سپس افزود} اگر آن دو، فرزندان شایسته آن مرد

بودند، {به هنگام نبش قبر، { احساس ناراحتی به آنان دست می داد، چنان که به فرزند کوچک دست داد. (1)}

نکته: برای شادکردن دیگران نباید به دور دست ها سفر کرد و دغدغه ی شادی مردمان فلان قاره را داشت. بلکه خانواده، والدین، همسر، فرزند، همسایه، خویشان، دوست... از همه مهم تر و واجب تر هستند.

شاد کردن غیر مجاز

شخصی می گوید با پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) نشسته بودیم که مردی { از جمع ما } برخاست و رفت و کفش هایش را فراموش کرد. یک نفر، آن ها را برداشت و زیر خود گذاشت. آن مرد برگشت و گفت: کفش هایم کجایند؟ افرادی که آنجا نشسته بودند، گفتند: ما آن ها را ندیده ایم. مردی که کفش ها را زیر خود پنهان کرده بود، گفت: اینجاست.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «ترساندن مؤمن، چه معنا دارد؟». مرد گفت: ای پیامبر خدا! به شوخی این کار را کردم.

ص: 54

1- . بحار الانوار، ج 14، ص 490، ح 9.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) دو یا سه بار فرمود: «ترساندن مؤمن، چه معنا دارد؟!». (1).

نکته: شوخی باید به جا و درست باشد و نباید با احساسات و عواطف دیگران بازی کرد.

این ها شیعه نیستند!

اشاره

برخی از یاران امام باقر (علیه السلام) به ایشان عرض کردند:

شیعه در جامعه ی ما زیاد است.

امام فرمود: آیا بی نیاز نسبت به نیازمند عطوفت و مهربانی می کند و آیا نیکوکار از خطاکار می گذرد و در مسائل مالی به همدیگر کمک می کنند.

گفتیم: خیر.

فرمود: پس این ها شیعه نیستند چون شیعه کسی است که این طور عمل کند. (2).

ص: 55

1- . المعجم الكبير، ج 22، ص 395، ح 98؛ الگوی شادی، ص 416، ح 630.

2- . أَنْ بَعْضَ أَصْحَابِهِ قَالَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ الشَّيْعَةَ عِنْدَنَا كَثِيرُونَ فَقَالَ هَلْ يَعْطِفُ الْغَنِيُّ عَلَى الْفَقِيرِ وَيَتَجَاوَزُ الْمُحْسِنُ عَنِ الْمُسِيءِ وَ يَتَوَاسُونَ قُلْتُ لَا قَالَ (عليه السلام) لَيْسَ هَؤُلَاءِ الشَّيْعَةَ الشَّيْعَةُ مَنْ يَفْعَلُ هَكَذَا. بحار الانوار، ج 71، ص 313.

مردی، نزد پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) آمد و گفت: زنی دارم که هرگاه وارد {خانه} می شوم، به پیشوازم می آید و هرگاه {از خانه} خارج می شوم، بدرقه ام می کند و هرگاه مرا اندوهگین می بیند، می گوید: چرا اندوهگینی؟ اگر غم روزی ات را می خوری، غیر تو (خداوند)، آن را برایت ضمانت کرده است و اگر غم آخرت را داری، پس خداوند بر اندوهت بیفزاید.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «خداوند، کارگزارانی {عامل، مأمور، وکیل} دارد و این زن، یکی از کارگزاران اوست. برای او نصف پاداش شهید در نظر گرفته شده است» (1).

شوخی از اخلاق است

امام صادق (علیه السلام) كَيْفَ مُدَاعَبُهُ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قُلْتُ قَلِيلٌ قَالَ فَلَا تَفْعَلُوا فَإِنَّ الْمُدَاعَبَةَ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ وَإِنَّكَ لَتَدْخُلُ بِهَا الشَّرُورَ عَلَى أَخِيكَ وَ لَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) يُدَاعِبُ الرَّجُلَ يُرِيدُ أَنْ يَسْرَهُ؛

ص: 56

یونس شبیبانی می گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: با یکدیگر شوخی هم می کنید؟ گفتم: کم.

فرمود: این گونه نکنید؛ زیرا شوخی، از خوشخویی است و تو بدان وسیله، برادرت را شاد می سازی. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) برای این که کسی را شاد کند، با او شوخی {به جا} می کرد. (1)

هزاران درود و هزاران سلام

ز ما بر محمد علیه السلام (اسدی طوسی)

ص: 57

1- . کافی، ج 2، ص 663.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

